



«فرهیختگان» بررسی می کند، چرا ارسال پالس مذاکره در این شرایط تشدیدکننده تحریم هاست؟

# کارگزار تحریم سازی

«بیابید تبادل (زندانی) کنیم. من آماده این کار هستم و اختیار کافی برای انجام آن دارم.» اینها جملاتی بودند که بیان شان از سوی وزیر خارجه در روزهای گذشته بازخوردهای زیادی در رسانه‌ها داشته است. آن وقت که جناب ظریف گفته، او به عنوان وزیر خارجه می‌تواند در این مسائل ورود کرده و فراتر از وظایفش به حل مشکل کمک کند، کما اینکه پیش از این هم در موارد مشابه تلاش‌هایی داشته است. ظریف بر این موضوع هم تأکید کرده که ما قوه قضائیه مستقلی داریم و از نظر این قوه زندانیان آمریکایی حاضر در ایران مجرم هستند، اما یادآور شده که گویا خودش آنقدرها هم با این نظر موافق نیست و وظیفه دارد تلاش کند تا تدارک توافقی در این رابطه و تبادل (زندانیان) را ببیند؛ چیزی که از قضا در این چند سال سابقه هم داشته و پیش از این به آزادی چند زندانی آمریکایی نیز منتهی شده است. آقای وزیر البته توضیحی در این باره نداده که این وظیفه از ناحیه چه کسی به او محول شده، اما آن طور که او می‌گوید، از ۶ ماه پیش پیشنهادش را روی میز مذاکره گذاشته و به کاخ سفید گفته که بیابید همه آنها را – از افرادی که در زندان های آمریکا

هستند تا کسانی که در کشورهای دیگر بوده و منتظر استرداد به آمریکا هستند-تبادل کنیم و کاری هم به این نداشته باشیم که اتهامات آنها چیست و چرادر زندان به سر می‌برند. فارغ از متن صحبت‌های وزیر خارجه و مثلا قضاوت درباره اینکه او در عصر تفکیک قوا با چه جایگاهی به حوزه اختیارات دستگاه قضایی ورود می‌کند و از قبول داشتن بنا داشتن احکام این قوه سخن می‌گوید و این وسط تکلیف قانون و جرائم امنیت مجرمان چه می‌شود و... آنچه بیشتر حائز اهمیت به نظر می‌رسد، فرامتن این اظهارات است. ظریف به روشنی پالس مذاکره می‌دهد و دولتمردان آمریکا را به میز مذاکره فرامی‌خواند، آن هم در شرایطی که دستگاه دیپلماسی لاقال این بار با همدانوه درسته مواجه نیست و یک بار همین مسیر راتا آخر رفته. در یک هفته گذشته این دومین بار است که چنین پالسی به بیرون مخابره می‌شود. درست فردای همان روزی که ظریف در نیویورک برای مذاکره با دولت آمریکا چراغ سبز نشان می‌داد، رئیس جمهور هم در تهران و در جلسه هیات دولت گفت هر وقت آمریکایی‌ها به این جمع بندی رسیدند که محاسبه‌شان غلط بوده و اشتباه

کرده‌اند، آن وقت ما مرد مذاکره هستیم. به شرط آنکه همه فشارها برداشته شده، از اقدامات غیرقانونی خود عذرخواهی کنند و احترام متقابل وجود داشته باشد. باز کردن دوباره قصه تکراری مذاکره در داخل از سوی رئیس جمهور و وزیر خندان ش، اتفاقی است که بعد از فروپاشی برجام و خروج آمریکا از توافق هسته‌ای بی سابقه بوده و گویا موضع گیری‌های اخیر ترامپ و برابان هوک در این رابطه، محمل خوبی را برای طرح این مساله فراهم آورده است. شاید به همین خاطر باشد که روزنامه «العرب» چاپ لندن، در تحلیلی پیرامون مواضع اخیر سران دولت می‌نویسد: «برخلاف تبلیغات جمهوری اسلامی ایران حسن روحانی، رمز و پادزهر خروج از تنگنای کنونی را اعلام کرد و گفت که کشورش آماده مذاکره با آمریکا است، به شرطی که آمریکا تحریم‌ها را بردارد و از ایران عذرخواهی کند.» نویسنده این گزارش حتی پا را فراتر هم گذاشته و مدعی شده که ایران هم خواستار مذاکره بوده و آماده مرحله جدیدی از مذاکرات است.

## عملیات علیه تجربه تاریخی، آیا می‌شود مذاکره، جنگ بیاورد؟

بررسی چهار واقعه تاریخی ایران و آمریکا نشان می‌دهد: هر وقت جلوی آمریکایی‌ها عقب‌نستیم آنها حمله کردند.

اولین عقب‌نشینی مربوط به ورود به میز مذاکره با آمریکا در ابتدای انقلاب و در شرایطی است که آمریکا خصمانه علیه ایران رفتار می‌کند. دیدار ابراهیم یزدی با زینگویی برژینسکی، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، دیداری که اول نوامبر ۱۹۷۹ برگزار شد اما خیلی زود نتیجه عکس داد و نه تنها مشکلات حل نشد که اولین تحریم‌ها چند روز بعد از این مذاکرات علیه ایران اعمال شد. «کارتز» رئیس جمهور وقت ایالات متحده هشتم نوامبر همان سال بدون توجه به مذاکرات با دولت ایران اولین فرمان تحریمی علیه ایران را صادر کرد و کمتر از سه ماه بعد یعنی در فتنه و هفدهم آوریل سال ۱۹۸۰ با دو فرمان تحریمی اقدامات خود را گسترده کرد. کارتز در این مجموعه اقدامات با استناد به قانون «کنترل صدور تسلیحات نظامی»، کشتی حامل لوازم یک نظامی متعلق به ایران را توقیف می‌کند و چند روز بعد فرمان اجرایی برقراری وضعیت اضطراری ملی درمورد ایران (دستور شماره ۱۲۱۷۰) در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ صادر می‌شود و طی آن به رئیس جمهور ایالات متحده این اختیار را می‌دهد که اموال و دارایی‌های ایران را توقیف کند. البته تحریم تنها اتفاقی نبود که طرح و اجرای چندین کودتای متفاوت علیه ایران بعد از همین دور از مذاکرات رقم خورد.

دومین ماجرای تاریخی به میانه دهه ۱۳۶۰ یا همان سال‌های میانی جنگ برمی‌گردد. در آن ایام فشار جنگ بیشتر شده بود و ایران در مقابل عراق و متحدان چندده‌گانه‌اش ایستادگی می‌کرد. در این شرایط برخی مسئولان دولت وقت به امید اینکه وارد شدن به مذاکره با آمریکا حلال بخشی از مشکلات است، وارد بده ستانی عجیب و غریب با رابرت مک‌فارلین مشاور امنیتی ریگان و اولیور نورت از مقامات نظامی آمریکا می‌شوند. آنها در این فرآیند تلاش می‌کنند با حل مشکل گروگان‌های آمریکایی در لبنان، از آمریکا اسلحه بگیرند. این اتفاق نه تنها با رودست خوردن ایران از آمریکایی‌ها مواجه می‌شود که به صورت همزمان ریگان با صدور دستور ویژه (۱۲۶۱۳) دوباره ایران را مورد تحریم قرار می‌دهد و چندی بعد خصمانه‌ترین اقدام خود علیه ایران یعنی حمله به ایرپاس مسافری به مقصد دوی را انجام می‌دهد.

## گفت و گو

### مذاکره با ترامپ خلاف مصلحت ملی است

**حسن هانی زاده- کارشناس مسائل بین الملل**  
دونالد ترامپ و هسته اصلی تیم وی مرکب از پمپئو و جان بولتون با مجموعه اقدامات خود در طول سه سال اخیر راه هرگونه مذاکره میان ایران و آمریکا بر سر موضوعات مختلف نظیر مسائل منطقه‌ای، جهانی و مسائل دوطرفه را بسته‌اند. اقداماتی که می‌توان مهم‌ترین آنها را خروج ایالات متحده از برجام، افزایش تحریم‌ها، منع صدور نفت ایران و... دانست. بر این اساس باید گفت تا زمانی که آمریکا گام عملی برای ابراز حسن نیت نسبت به ایران برندارد، هرگونه امکان برگزاری مذاکره میان دو طرف منتفی است.

ایران در طول سال‌های اخیر به ویژه در دوران ریاست جمهوری سابق آمریکا، به صورت مستقیم و غیرمستقیم مذاکراتی را با آمریکا ترتیب داد و در نتیجه این مذاکرات توافقاتی هم حاصل شد اما با پیروزی دونالد ترامپ، در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶، به دلیل روحیه تهاجمی و چسبندگی شدید او به رژیم صهیونیستی طبیعی است که رئیس جمهور آمریکا تمایلی به رفتار احترام آمیز و منصفانه با ایران نداشته باشد.

بر این اساس جمهوری اسلامی ایران اعتقاد دارد ترامپ اساسا اراده‌ای برای حل مشکلات منطقه و مشکلات فی مابین از رهگذر مذاکره ندارد و این یعنی تا زمانی که رئیس جمهور فعلی آمریکا، در کاخ سفید مستقر است امکان مذاکره منتفی است. به هر ترتیب رویکرد «مذاکره صرفا برای مذاکره» به مصلحت نیست و طبیعی است که هرگونه مذاکراتی میان ایران و آمریکا مستلزم فراهم آمدن پیش شرط‌هایی است. پیش شرط‌هایی نظیر بازگشت آمریکا به برجام، خودداری واشنگتن از به‌کارگیری شیوه‌های تهاجمی، برداشتن تحریم‌ها، اعتراف به اشتباهات گذشته و عذرخواهی بابت آنها و... این می‌تواند گام عملی و حسن نیت آمریکا تلقی شود. اما همان طور که مشاهده می‌شود همگی این موارد بعید و دور از ذهن به نظر می‌رسند و به همین دلیل آمریکا تاکنون هیچ گونه اقدامی در این خصوص انجام نداده و با این وصف طرح موضوع مذاکره در چنین شرایط و فضای به کل، خلاف مصالح ملی ازبایی می‌شود.



## کاسبان مذاکره، دلالتان جنگ

روزنامه ایران، ارگان رسمی دولت چهارشنبه گذشته چهارم اردیبهشت در صفحه دوم یادداشتی را به قلم سیدحسین موسویان عضو سابق تیم مذاکره کننده هسته‌ای (در دولت اصلاحات) منتشر کرد، یادداشتی که اقدامات آتی دولت آمریکا علیه ایران در دو سال آینده را به شکل ترسناکی توصیف می‌کند و در نتیجه پیشنهاد می‌دهد که ایران هرچه زودتر وارد مذاکره با دونالد ترامپ شود تا از خسارات بیشتر جلوگیری کند.

این خلاصه یادداشت موسویان در روزنامه رسمی دولت است اما این نامه نکات مهمی دارد که به اندازه همین نتیجه قابل توجه است. نکاتی که توضیح می‌دهد اولاً حسین موسویان مواضع متناقضی دارد، ثانیاً، با وجود اینکه می‌داند مذاکره با ترامپ هیچ دستاوردی برای ایران ندارد باز هم پیشنهاد مذاکره می‌دهد و ثالثاً اینکه، این دست مواضع ضعیف و کم‌رنگ از نظر استدلال را هر بار که میان ایران و آمریکا چالشی پدید آمده، او با ذوق و شوق فراوانی مطرح کرده و احتمالا همان طور که در جریان برجام هم فاش شد، بتواند از دولت ایالات متحده کمک مالی دریافت کند. در آن ایام آسوشیتدپرس در توضیح این دریافتی مالی از دولت آمریکا برای حمایت از گفت‌وگوی ایران و آمریکا فاش کرده بود که موسویان ۷۰ هزار دلار حمایت مالی دریافت کرده است!

اول اینکه در یادداشت حسین موسویان ادامه ایده‌ای که می‌گوید باید در هر شرایطی در برجام بمانیم تا ۲۰۲۰ فرابرسد و دونالد ترامپ تغییر نکند، بیان شده با این توضیح اضافه که آلترناتیو منتظر ماندن صرف تا ۲۰۲۰، در نظر گرفتن احتمالا عدم پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات آتی است و بنابراین علاوه بر اینکه باید تا انتها در برجام بمانیم، باید فرآیند مذاکره با ترامپ را هم شروع کنیم تا از فشارهای احتمالی دو سال آینده پیشگیری کنیم.

حسین موسویان البته از نقص حقوقی برجام چیزی نگفته و توضیح هم نداده که ترامپ در چه فرآیندی به خود اجازه داد بدون هیچ هزینه‌ای از برجام خارج شود و

تحریم‌هایی را که قرار بود علیه ایران برداشته شود، دوباره و به شکل عمیق‌تری بازگرداند. علاوه بر این سخنی هم درمورد آینده مذاکره با ترامپ به زبان نیاروده و ابراز نکرده که آیا آغاز مذاکره به معنای توقف فشارهاست یا خیر؟ این درحالی است که او قبلا و در فروردین ۹۶ با بیان اینکه مذاکره با ترامپ نتیجه درخور توجهی ندارد، ابراز کرده بود که «معتقدم با وجود ترامپ، توافق هسته‌ای ابدأ امکان پذیر نبود» علاوه بر این او البته ترجیح داده سرنوشت گفت‌وگوی کره شمالی با رئیس جمهور آمریکا را هم نادیده بگیرد.

### از ترس مرگ خودکشی کنید!

دومین مساله محوری در این یادداشت جدا کردن ترامپ از مشاورانش یعنی بولتن و پمپئو است، مثل همان کاری که در گذشته از سوی برخی در داخل مطرح می‌شد و ترامپ به‌عنوان عضوی از جمهوری خواهان جدا و متفاوت از دموکرات‌ها توصیف می‌شد. همان ایده آمریکایی خوب و بد، همان نظریه اوامای مودب، ترامپ چاقوکش! که حالا به‌نوعی درحال القای این حرف است که وحشی‌تر از ترامپ هم در آمریکا وجود دارند و لذا مذاکره با ترامپ بهتر از طرف شدن با بولتون و پمپئو است. از این رو این سوال مطرح است که اگر تندروی‌های آمریکا در برهه‌ای دیگر با حضور فردی تندخوتر از ترامپ ادامه یافت، آیا این فرآیند تفکیک و ترساندن مردم از آینده برای کوتاه آمدن در مقابل وضع موجود هم ادامه می‌یابد؟

این نکته موسویان البته در تناقض با چند بخش دیگر این نامه هم هست، چرا که او در چند پاراگراف بالا و پایین‌تر نامه گفته است که نه کنگره و نه مقامات نظامی آمریکا موافق آغاز درگیری با ایران نیستند و اساسا تروریستی خواندن سپاه هم با چنین هدفی صورت نگرفته است.

### دروغ بزرگ!

سومین مساله تعبیر اورنوه از فشارهای نظامی علیه ایران است، جایی که موسویان در بیان هدف

## کارشناسان چه می‌گویند؟

### دیاکو حسینی: مذاکره در شرایط فعلی یعنی تقدیم کردن ایران به ترامپ.

تا هنگامی که ایالات متحده به این نتیجه نرسد که ایران به تحریم و فشار سرخم نخواهد کرد یا در برابر تحریم‌های اقتصادی گرفتار سقوط و فروپاشی نخواهد شد، چرا باید به گفت‌وگو در شرایط برابر تن دهد؟! کسانی که امروز از مذاکره با آمریکا حمایت می‌کنند باید بدانند که از نگاه آمریکا مذاکره احتمالی در شرایط کنونی محوری شرط ویژه ۱۲ گانه اعلام شده توسط پمپئو نخواهد داشت و نتیجه آن تنها و تنها تسلیم کردن حاکمیت ایران به ایالات متحده است.

### امیر محبیان: راهبرد پذیرش گفت‌وگو در شرایط کنونی را اساسا مضر می‌دانم

راهبرد پذیرش گفت‌وگو در شرایط کنونی را اساسا مضر می‌دانم چرا که ضعف‌های آن همان تأمین اهداف ترامپ است. تز مذاکراتی ترامپ عبارت است از «فشار، فشار، بازهم فشار و نهایتا مذاکره مطلوب» پس نشان دادن نرمش در این شرایط یعنی دادن مجوز اعمال فشار بیشتر. مضرات گفت‌وگو با ترامپ عبارتند از نخست، مطلوبیت کامل این رویکرد برای آمریکا و تأمین منافع کامل ترامپ در بستر بازی طراحی‌شده؛ دوم، نشان دادن فشارپذیری و در ادامه افزایش فشار از سوی ترامپ؛ سوم، ارسال پیام نادرست به طرف‌های اروپایی و به تعلیق درآمدن گفت‌وگوها با آنان و از میان رفتن اعتبار ایران در گفت‌وگوها. چهارم ارسال پیام بد به مردم ایران و جهان دال بر این که حاکمیت ما در جایگاه ضعف مطلق قرار دارد و سخت‌ترین پیمان‌ها برای ماندن را می‌پذیرد.



تنتابهاو از فضا سازی علیه ایران می‌نویسد: «هدف پنهان او این است که به فرماندهان ارتش آمریکا، کنگره و کاخ سفید بگوید هراسی از درگیری نظامی با ایران نداشته باشند، زیرا اسرائیل در طول یک سال صدها حمله نظامی علیه مواضع ایران در سوریه داشت و هیچ اتفاقی هم نیفتاد. او به دنبال این است که ترس‌ها و نگرانی‌ها در واشنگتن، اروپا و منطقه‌ای واکنش‌های ایران فروریخته شود تا راه برای اقدام نظامی باز شود.»

این تعبیر درحالی صورت می‌گیرد که امروز تقریبا همه فعالان امنیتی و نظامی منطقه می‌دانند که رژیم صهیونیستی پس از حمله به پایگاه T4 با ضربه‌ای که در جولان اشغالی از سپاه پاسداران دریافت کرد حمله به ایرانیان حاضر در سوریه را متوقف کرد و ریسک آزمون دوباره ایران را به جان نخرید. از این رو باید گفت که موسویان برای کامل شدن بازاز به نادیده گرفتن واقعیت‌ها هم متوسل شده و از رژیم صهیونیستی قدرتی می‌سازد که ایران قوت پاسخگویی به آن ندارد. آخرین نکته مهم اما این است که موسویان از مذاکره با آمریکا در یک تابو می‌سازد و نگاه نمی‌کنند که ایران در موضوع هسته‌ای تا بالاترین سطوح با آمریکا آن هم نه با ترامپ قلد ر بلکه با کسانی که موسویان و دوستانش اطمینان داشتند که امضای او تضمین است! به صورت دو جانبه به گفت‌وگو نشست و نتیجه آن به سرعت مشخص شد. موسویان پیش از این، در آذر ۹۷ در نشست در برلین اعتراف کرده بود که قدرت‌های عضو برجام کمتر از ۲۰ درصد از تعهدات خود را انجام داده‌اند و قبل‌تر از آن یعنی چندی قبل از خروج ترامپ از برجام درخصوص دولت آمریکا گفته بود: «عمل نکردن آمریکا به تعهداتش دلیل امروز آسیب‌پذیر شدن توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ است.» و لذا با توجه به همین مساله، حالا باید پرسید که چرا دوباره پیشنهاد مذاکره می‌دهد؟

### محمد مرندی: مذاکره با آمریکا آنها را وقیح‌تر می‌کند

حرف از مذاکره با آمریکا در شرایط فعلی این پیام را به دشمن منتقل می‌کند که عهدشکنی آنها و زیر پا گذاشتن توافقات بین‌المللی در حالی که سایر طرف‌ها پایبندی خود را حفظ کرده‌اند، هیچ عواقبی برای آنها ندارد. از طرف دیگر ما هنوز در برجام حضور داریم و از آن خارج نشده‌ایم و از این جهت مکررا به طرف اروپایی متذکر می‌شویم که به‌رغم اینکه ما عملا از برجام هیچ بهره‌ای نمی‌بریم، اما از آن خارج نشده‌ایم و این آمریکا بود که از تعهدش سر باز زد و این منت را بر سر آنها می‌گذاریم.

### علی‌علیزاده: مذاکره باعث افزایش انگیزه دشمن می‌شود

عده‌ای از لیبرال‌ها عاغش مذاکره دارند و طیفی دیگر از نیروهای رادیکال لیبرال در پی آنند تا افکار عمومی را طوری هدایت کنند که تبدیل به فشار از پایین برای عقب‌راندن بخش‌هایی از حاکمیت شود. اما ما از سیاست واقعی و عملگرایانه‌آموخته‌ایم که وقتی در موضع ضعف هستی، هرگز و هرگز مذاکره نکن. چون هم مذاکره شکست می‌خورد و هم باعث افزایش انگیزه دشمن برای تحمیل شکست‌های بعدی می‌شود.

### محمد هاشمی رفسنجانی: مذاکره با ترامپ معنا ندارد

به نظر من، اصلا این مذاکره معنا ندارد. بالاخره مذاکره در عرصه بین‌المللی آدبی دارد، به این معنا که وقتی دوفر یا دو کشور در این فضا با یکدیگر مذاکره می‌کنند، اگر به توافقی رسیدند باید تعهد اجرایی وجود داشته باشد. اما ترامپ کدام تعهد اجرایی را داشته و کدام تعهد را اجرا کرده است؟ بنابراین مذاکره با یک شخصیتی نظیر «دونالد ترامپ» اصلا معنایی ندارد.